فهرست مطالب

[موضوع: فقه / نکاح 2](#_Toc21254807)

[اشاره 2](#_Toc21254808)

[ادامه مقدمه پنجم 2](#_Toc21254809)

[نکته سوم: طبقات و رویکردهای مکاتب فلسفی غربی 2](#_Toc21254810)

[مطلب اول: رویکردهای مختلف در باب فمینیسم 2](#_Toc21254811)

[مطلب دوم: رویکردهای همجنس‌گرایی 4](#_Toc21254812)

[مطلب سوم: الگوی خانواده 6](#_Toc21254813)

[پایان مقدمات و ورود به اصل بحث: 6](#_Toc21254814)

[تنظیمات آینده بحث 6](#_Toc21254815)

[مهم‌ترین مسائل در بحث ذکورت و انوثت 8](#_Toc21254816)

[محور اول: روابط زن و مرد 8](#_Toc21254817)

[فهرست مباحث ذیل محور اول 8](#_Toc21254818)

[دسته اول: ارتباطات مربوط به حواس پنج‌گانه ظاهری 8](#_Toc21254819)

[دسته دوم: ارتباطات عاطفی و مصاحبت‌های اجتماعی 9](#_Toc21254820)

[دسته سوم: معاملات 10](#_Toc21254821)

[دسته چهارم: تواضع و تکبر 10](#_Toc21254822)

[دسته پنجم: استمتاعات 10](#_Toc21254823)

[دسته ششم: حکومت، قضاوت و افتاء 10](#_Toc21254824)

[بحث اول: النظر 11](#_Toc21254825)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

## اشاره

قبل از ورود به مباحث اصلی چند مقدّمه عرض شد که در جلسه گذشته مقدّمه پنجم را شروع کردیم و عرض شد مباحث مربوط به زن، ازدواج، خانه، الگوی خانه و امثال اینها مجموعه مفاهیم مباحثی است که در دوره معاصر دستخوش تغییرات بنیادی شده است و در این مقدّمه چند نکته وجود دارد که دو نکته از آن عرض شد و در این جلسه به ادامه آن خواهیم پرداخت.

## ادامه مقدمه پنجم

### نکته سوم: طبقات و رویکردهای مکاتب فلسفی غربی

نکته سوم در این مقدمه این است که نهضتی به نام فمینیسم در جهان راه اندازی شده است که در تعبیر فارسی از آن به تساوی خواهی حقوق زن و مرد، زن گرایی و یا احیای حقوق زن و ... نامیده می‌شود.

این نهضت که عمر آن به دو قرن نمی‌رسد و همان‌طور که عرض شد چند موج برای شکل گیری آن وجود داشت چند مطلب برای آن وجود دارد که می‌بایست مد نظر داشته باشیم:

#### مطلب اول: رویکردهای مختلف در باب فمینیسم

اولین مطلب در باب فمینسم این است که چند رویکرد در این باب وجود دارد:

یک رویکرد به‌عنوان یک حرکت اجتماعی و حقوقی است که کسانی معتقدند زنان باید از حقوق برابر با مرد برقرار باشد و در عرصه اجتماع حضور داشته باشد، حق رأی داشته باشد و موارد دیگری از این قبیل. این یک رویکرد است که در واقع یک رویکرد اجتماعی و حقوقی است.

و اما به‌تدریج رویکرد دیگری در باب فمینیسم شروع شد که قلمرو بحث را پیش برد و آن را به عرصه‌های علم و شناخت و معرفت کشاند و دنیای وسیعی از مباحث در این قلمرو پدید آمد.

پس بنابراین همان‌طور که متوجه شدید یک رویکرد در باب فمینیسم همان رویکرد ابتدایی است که معتقد است زن نیاز به حقوق اجتماعی دارد و برای تساوی حقوق خود در مسائل مختلفی که در قانون و حقوق وجود دارد باید تلاش کند تا احقاق حقوق زن در حدّ تساوی با مردان صورت پذیرد؛ که این رویکرد نخستین و سطحی فمینیسم است؛ و اما رویکرد دوم این است که مسئله را از این سطح به عمق بیشتری برده و در این رویکرد دوم نحله‌هایی پدید آمده است که شدیدترین آن در معرفت شناسی است و بسیاری جای تعجب است که برخی معتقدند این شناخت ما تابعی از جنسیت است و به‌عبارت‌دیگر جنسیت در معرفت و شناخت ما اثر می‌گذارد یعنی شناخت زنانه و شناخت مردانه وجود دارد و در واقع با عینک مردانه نگریستن چیزی غیر از با عینک زنانه نگریستن است و اگر کسی به عالم با نگاه زنانه وارد شود تعریف و شناختش از مباحث تغییر خواهد کرد و در واقع مباحث تمایزات و اختلافات که در گذشته بین زن و مرد عرض کردیم و قائل شدیم، به این مسئله باز می‌گرداند که به طور کل دو نوع شناخت وجود دارد و شناخت عالم تا بحال مبتنی بر رویکرد مردانه بوده است. به عبارت ساده تر این ذکورت و انوثت همچون دو عینکی است که جهان را به گونه‌ای متفاوت نمایان می‌سازد و با عینک ذکورت جهان به گونه‌ای دیده می‌شود و با عینک انوثت این نگاه متفاوت می‌شود و در تفکر فمینسم گفته می‌شود که باید تلاش کنیم تا همان‌طور که با عینک ذکورت عالم مشاهده شده و این دانش‌ها پدید آمده است با عینک انوثت نیز باید عالم دیده شود و تحلیل گردد.

این افراطی ترین نوع از فمینیسم است و بسیار جالب است که در همین مطلب تمایز زن و مرد مفروض بوده و گویا به ضد خود منعکس می‌شود. توضیح اینکه فمینیسم از این مرحله شروع شد که زن و مرد در تمام حقوق اجتماعی باید مانند یکدیگر باشند اما در لایه‌های عمیقتر به جایی می‌رسد که سر از فمینیسم معرفت شناسی در می‌آورد و به طور کل شناخت مردانه با شناخت زنانه متفاوت است که این چیزی ضدّ حرکت اولیه است که معتقد بودند همه چیز مساوی باشد بلکه در این رویکرد گفته می‌شود در شناخت که پایه ارتباط انسان با عالم و جهان می‌باشد به طور کل دو رویکرد و دو نگاه وجود دارد که اینها با هم متفاوت است.

البته این افراد نتیجه‌ای که می‌خواهند از این رویکرد حاصل کنند این است که؛ این دانش‌ها و علومی که وجود دارد همگی با نگاه ذکوریت تولید شده است و لذا موجب تفکر فعلی شده است اما اگر با نگاه زنانه و انوثیت این به عالم نگریسته شود علوم تفاوت خواهد کرد.

اینها دو نگاه به فمینیسم است که همان‌طور که عرض شد در یک زمان فمینیسم به همین حقوق برابر بین زن و مرد تفسیر می‌شود و در مرحله بالاتر فمینیسم می‌گوید دستگاه شناخت زن و مرد با هم تفاوت‌هایی دارد و به نوعی به تفکرات پست مدرنیسم هم مرتبط می‌شود که به حقیقت مطلق اعتقاد نداشته و معتقد است که شناخت نسبی است و از جمله عواملی که در نسبیت شناخت مؤثر است همین جنسیت و ذکورت و انوثت است و به طور کل مردانگی و زنانگی در شناخت انسان تأثیر داشته و اینها را متفاوت قرار می‌دهد.

بر همین اساس گفته می‌شود که روانشناسی یک بار از منظر مردانه است و یک بار از منظر زنانه که این دو علم با هم متفاوت است و همچنین است جامعه شناسی و سایر علوم دیگر؛ و حتی این امکان وجود دارد که برخی دچار افراط شده و در علوم طبیعی و ... هم چنین احتمالاتی را وارد نمایند که این افراطی ترین نگاه فمینیستی است که وجود دارد.

کتاب «فمینیسم و دانش‌های فمینیستی» ترجمه بخش مهمی از دایرۀ المعارف راتلج می‌باشد. راتلج از انتشارات‌های مشهور دنیا می‌باشد که حدود دویست سال در انگلستان سابقه داشته و شاید نزدیک به صدهزار کتاب تاکنون چاپ کرده است و این انتشارات مجموعه دایرۀ المعارف‌هایی نیز دارد که یک بخش مهم از دایرۀ المعارف علوم اجتماعی آن همین فمینیسم می‌باشد که این کتاب حدود بیست مقاله‌ای است که ترجمه شده و در این کتاب جمع آوری شده است که این کتاب را مرکز تحقیقات حوزه خواهران انجام داده و ویژگی آن این است که هر مقاله‌ای که در آن وارد شده است نقدی نیز در انتهای آن به‌عنوان ملاحظات وارد شده است که این نقد‌ها برخی خوب و برخی متوسط است؛ اما به طور کل یکی از کتاب‌هایی که می‌تواند انسان را با ابعاد مختلف فمینیسم آشنا کند همین کتاب می‌باشد که از آن دائرۀ المعارف معتبر مقالات را ترجمه نموده و نقدی هم به این مقالات وارد کرده است.

در این کتاب فصول مختلفی که از بحث فمینیسم در آن دائرۀ المعارف بوده است در این کتاب مطرح شده که به‌عنوان‌مثال می‌توان به مواردی همچون اخلاق فمینیستی و الهیات فمینیستی اشاره کرد که در الهیات فمینیستی که از منظر مسیحیت می‌باشد گفته می‌شود که این الهیات به الهیات مردانه و الهیات زنانه منقسم می‌شود و از منظر حقوق زن اگر بنا باشد حقوق زن نوشته شود بحث متفاوت شده و بایستی چیزهای دیگری گفته شود.

فصل دیگر آن معرفت شناسی فمینیسم است که به آن اشاره شد؛ و همچنین فمینیسم و علوم اجتماعی، زبان و جنسیت، سیاست و جنسیت، روانکاوی و جنسیت و ... که اینها ابعاد مختلفی هستند که در فمینیسم مورد توجه قرار گرفته است.

این یک نگاه کلی و مجملی بود که به تحولات بحث فمینیسم اشاره می‌کند؛ و به طور کل این چند نکته‌ای بود که در ارتباط با تحول فمینیسم، زن گرایی، احقاق حقوق زن، تساوی گرایی و امثال اینها وجود دارد و در زبان انگلیسی هم با عنوان فمینیسم از آن یاد می‌شود.

آنچه گفته شد یک خط در تفکر جدید غربی بود که به‌عنوان خط فمینیسم نام برده می‌شود و هدف آن فرو ریختن بسیاری از تمایزاتی است که بین زن و مرد متصور است و البته سعی فمنیست‌ها بر این است که تمایزاتی که وجود دارد تا جایی که راه دارد منکر شوند و غیر از برخی از تمایزاتی که در ارگانیزم بدن است و راهی برای آن ندارند غالب موارد تمایز و تفاوت را نفی می‌کنند، از این جمله است ضریب هوشی، عواطف و ...؛ که معمولاً تلاش می‌شود که در این تفکر اینها نفی شوند و مواردی هم که الا و لابد تمایز وجود دارد معتقدند که نباید این تمایزات مبنای حقوق و شرایط و قوانین شود که این روح حرکت فمینیستی و به‌تدریج در شناخت و سپس در علوم مختلف سایه افکند و حجم زیادی از ادبیات علمی تولید شد که تحت عنوان فمینیسم می‌باشد که در مقدمه همین کتاب نیز آمده است که «به حدّی مباحث فمینیستی تنوع و تکثر و دامنه پیدا کرده است که امروز نمی‌توان فمینیسم و این گرایشات یا این مکتب‌ها بلکه باید گفت فمینیسم ها» که این مطلب به این معنا است که رویکردهای فمینیستی به حدی تعدد دارد که نمی‌توان همه آنها را تحت یک عنوان جمع کرد و گفته شود فمینیسم یک حقیقت واحد است که گرایشات در ذیل آن قرار می‌گیرد بلکه به حدی این مکاتب و دیدگاه‌های فمینیستی تنوع داشته و با هم فاصله دارند که بایستی به «فمینیسم ها» تعبیر شود.

این یک بخش است که اجمالاً مطرح شد و از این کتاب که از یک منبع معتبری تهیه شده است می‌توان برای این بحث مراجعه کرد.

#### مطلب دوم: رویکردهای همجنس‌گرایی

و اما خط دیگری که در جلسه قبل ذیل مقدمه پنجم عرض شد و باید به آن نگاهی افکند بحث همجنس‌گرایی می‌باشد که این خط نیز مبدل به حجم زیادی از مباحث اجتماعی و سیاسی و ... شد و بطن این مسئله این است که آنچه که در تاریخ بشر تا دوره‌ای که مباحث همجنس‌گرایی آمده است وجود داشته این است که تأمین نیازهای جنسی و به دنبال آن تشکیل خانواده مبتنی بر رابطه مخالف بوده است. این پیش‌فرض که خانواده و تأمین نیازهای جنسی باید بر اساس روابط مذکر و مؤنث شکل بگیرد در این دوره جدید تلاش زیادی شد تا این نگاه فرو بریزد و در واقع یک ناهنجاری تاریخی مبدل به یک هنجار شد (لااقل در برخی مجامع) و آن هنجار این است که روابط جنسی اختصاص به جنس مخالف ندارد بلکه جنس موافق چه در غالب دو مرد یا دو زن پذیرفتنی است.

این تفکر ابتدائاً در غالب آزادی‌های جنسی بود که گفته می‌شد این اعمال –یعنی روابط جنسی میان چند مذکر یا چند مؤنث- خلاف قانون نیست که این یک نگاه ابتدایی و سطحی بود و گام اول آن آزادی جنسی قانونی بود؛ و اما گام دوم در این حوزه این بود که می‌توان میان همجنس‌ها خانواده تشکیل شود و در حقوق اجتماعی و مدنی هم به‌عنوان یک هسته خانه و خانواده تشکیل می‌شود و حتی می‌توانند با استفاده از روش‌هایی که وجود دارد صاحب فرزند شوند مثل اینکه فرزندی را به سرپرستی قبول کنند و ... و جنبه قانونی به این خانواده بدهند.

این نیز یک حرکت بسیار بسیار هنجارشکنانه‌ای بود که در ادامه آزادی‌ها در غرب مطرح شده و همان‌طور که مستحضرید در این چهار دهه اخیر به‌تدریج، نه‌تنها آزادی‌ها و روابط جنسی میان مذکرها و یا میان مؤنث‌ها به‌عنوان یک هنجار پذیرفته شد، بلکه گام دیگری به جلو برداشته و خانواده این‌چنینی را پذیرفتند و به صورت یک نهضت در آمد و نهضت همجنس‌گرایی به صورت رسمی فعالیت کرده و سالانه تجمعاتی در کشورهای مختلف دنیا برگزار می‌کنند و در حال حاضر حدود سی کشور در دنیا این دو مقوله را (علی‌الخصوص مقوله اول) را به رسمیت شناختند که این دو مقوله یکی آزادی این عمل و تبدیل به هنجار شدند همجنس‌گرایی بود و مقوله دوم رسمیت یافتن خانواده همجنس و ثبت رسمی این‌چنین خانواده‌ای و همان‌طور که عرض شد بنا به شرایطی می‌توانند صاحب فرزند نیز بشوند و اگرچه در حال حاضر اطلاع دقیقی از این مطلب در دست ما نیست اما لااقل سی کشور در دنیا باید باشند که هر دو مسئله در این کشورها به رسمیت شناخته شده و این عمل خلاف قانون نیست.

در مورد خط اول دنیای جدید که مباحث فمینیستی بود، در آنجا این حرکت‌های فمینیستی تمایزهای جدی با آنچه که در ادیان الهی و اسلام است وجود دارد اما این‌گونه نیست که بتوان گفت در تمام ابعاد و به صورت اساسی با شریعت مضاد است و لذا در این قسم صورت‌هایی از فمینیسم اسلامی هم وجود دارد که تفکرات فمینیستی آن‌ها محدودتر از مکتب اصلی است و برخی از مباحثی که متمایز نبوده و در سنّت ما متمایز شده است قائل‌اند که باید اصلاح شود؛ و یا برخی از مباحثی که در رویه‌های جاری وجود دارد اما در فقه و شریعت چیزی در آن مورد وجود ندارد از جمله اختلافات زن و مرد و بی‌توجهی به زنان باید اصلاح شود که این‌گونه تفکرات را نیز گاهی به‌عنوان فمینیسم اسلامی می‌نامند که این‌ها مباحث مربوط به خود را داشته و در جای خود مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ اما در مورد خط دوم که همجنس‌گرایی و خانواده همجنس بود باید گفت این اندیشه و تفکر از بنیاد با آنچه که در اسلام و دیگر شرایع است مخالف است. البته می‌توان گفت آزادی مطلق جنسی میان همجنس و یا تشکیل خانواده میان آن‌ها به این شکل قطعاً جایگاهی در شریعت اسلام ندارد اما در باب حدود و برخی ریزه‌کاری‌های دیگر مباحث شریعت شبهاتی وجود دارد که بایستی به آن‌ها توجه کرد.

#### مطلب سوم: الگوی خانواده

خط دیگری که می‌توان آن را به‌عنوان خط سوم دنیای جدید نام برد و در دهه‌های اخیر مطرح شده است «الگوی خانواده» است.

در الگوی خانواده است هم مباحث فمینیستی و هم همجنس‌گرایی تأثیر می‌گذارد و هم مباحث دیگری از قبیل چندهمسری چه چند زن همسر یک مرد باشند و چه چند مرد همسر یک زن باشند که این مسئله در غرب بر خلاف برخی کشورها که چندهمسری به‌عنوان یک امر معمول پذیرفته شده است در غرب با محدودیت‌هایی روبرو شده و این مسئله را چندان نمی‌پذیرند و لذا این الگو علی‌الخصوص داشتن چند زن برای یک مرد و مسائلی از شبیه به متعه و... در تفکرات جدید غربی کمتر مطرح شده است.

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که نظام شریعت و نظام فقهی ما در مباحث زن، خانواده و ازدواج با آنچه که امروزه در تفکرات غربی پدید آمده است در محورهای گوناگون و متعدد در تعارض و تضاد می‌باشد از جمله جایگاه زن در شیوه‌های تأمین نیاز جنسی، تشکیل خانواده، چندهمسری و امثال اینها؛ و به دنبال این مسائل نوع اداره خانه و امثال اینها نیز به دنبال آن خواهد آمد که امروزه کاملاً متفاوت شده است.

آنچه گفته شد مقدمه پنجم بود که نگاهی به رویکردهای معاصر بود که به نحوی هم برای فقه ما مسئله‌ساز است و هم در موارد زیادی حالت تضاد و تعارض دارد که می‌بایست عرض شود تا به‌تدریج در طول بحث هر کجا که نیاز بود مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

تاکنون پنج مقدمه در این موضوع مطرح شد که اگرچه این ظرفیت وجود داشت که تا مباحث دیگری به آن افزوده شود لکن ازآنجاکه بحث ما فقهی می‌باشد به همین پنج مقدمه بسنده کرده و به دیگر مطالب نمی‌پردازیم.

## پایان مقدمات و ورود به اصل بحث:

## تنظیمات آینده بحث

همان‌طور که در جلسات اول عرض شد مطلوب‌ترین وضعیت در این بحث این است که غیر از بحث کتاب نکاح که موضوع آن عقد و مباحثی است که مترتب بر عقد شده و دارای جایگاه خود می‌باشد و همچنین دارای این قابلیت است که مسائل درون کتاب نکاح توسعه و گسترش پیدا کند –که این کار را هم انجام خواهیم داد- غیر از این مطالب عرض شد که بایستی کتاب یا باب دیگری که ظرفیت استقلال دارد داشته باشیم که آن کتاب عبارت است از وظایف و روابط زنان و مردان است؛ به‌عبارت‌دیگر اینکه زن و مرد از حیث مذکریت و مؤنثیت چه وظایف و چه روابطی با یکدیگر دارند.

توجه بفرمایید که اینکه تعمیم داده شد و عناوین وظایف و روابط به کار برده شد به این خاطر است که برخی از تمایزات آن‌ها از میان آن حدود 150 تمایزی که قبلاً عرض شد به وظایف خودشان بازمی‌گردد و بخشی دیگر از آن تمایزات نیز به روابط آن‌ها بازمی‌گردد که گفته شد این مسائل این ظرفیت را دارد که یک کتاب مستقلی باشد که به مباحث روابط زنان و مردان و همچنین وظایفی که آن‌ها از حیث ذکورت و انوثت دارند می‌پردازد.

مباحث این کتاب همان‌طور که قبلاً گفته شد به چند قسم تقسیم می‌گردد:

1. روابط زن و مرد
2. روابط مردان با یکدیگر
3. روابط زنان با یکدیگر

اینها سه مسئله هستند که مهم‌ترین آن‌ها همان مسئله اول می‌باشد و در واقع باید دید در روابط زنان و مردان چه وضعی در شریعت وجود دارد.

اگر بنا باشد مسامحتاً کمی از این روابط فراتر برویم باید گفت وظایفی که زنان و مردان از حیث مذکریت و مؤنثیت دارند چگونه است؟ چه در ارتباط با خود و چه در رابطه یکی با دیگری؛ به‌عبارت‌دیگر وظایف و روابط زنان و مردان از حیث ذکورت و انوثت؛ این یک مفهوم عام‌تری است که می‌تواند موضوع این کتاب باشد.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که وقتی بحث وظایف را غیر از روابط ذکر کردیم موجب می‌شود که این مباحث تا حدودی شمول پیدا کند نسبت به برخی از مسائلی که در کتب فقهی وجود دارد که سبب می‌شود تا نظام جامعیت و مانعیت آن‌ها به هم بخورد اما ازآنجاکه تمام آن وظایف خاص در آنجا نیامده است این را نیز می‌توان آورد، اما محور اصلی بحث روابط زنان و مردان از حیث ذکورت و انوثت می‌باشد و اینکه ذکورت و انوثت چه تأثیری دارد در انواع روابطی که وجود دارد.

این خود یک کتاب مستقلی است که در ادامه آن بحث نکاح قرار می‌گیرد. در واقع قبل از اینکه به عقد نکاح برسیم در روابط زنان و مردان چه ضوابط و قواعدی وجود دارد؟ که البته بخشی از مسائل اینها استطراداً در کتاب نکاح وارد شده است اما بخش زیادی از مسائل هم وجود دارد که وارد نشده است و یا توسعه لازم را در کتاب نکاح پیدا نکرده است.

به طور خلاصه می‌توان این بحث را به لحاظ منطقی این‌گونه دسته‌بندی کرد:

1. روابط زنان و مردان به‌عنوان یک کتاب مستقل
2. کتاب النکاح

البته در حال حاضر به‌منظور اینکه شیوه سنّتی بحث به هم نخورد مباحث استطرادی باب نکاح را به‌عنوان مجموعه‌ای از مسائل که در میانه بحث آمده است بنا بر ترتیب عروه و شرح‌های آن پیش خواهیم رفت لکن در تدوین به‌عنوان یک کتاب مستقل خواهد بود.

این مقدّمه‌ای بود که در ورود به اصل بحث عرض می‌شد حال باید دید مهم‌ترین مسائل این فصل چیست؟

## مهم‌ترین مسائل در بحث ذکورت و انوثت

در اینجا به این مسئله خواهیم پرداخت که مهم‌ترین مسائلی که در بحث وظایف و روابط زنان و مردان از حیث ذکورت و انوثت وجود دارد چیست؟

عرض شد که سه محور کلی در این بحث وجود دارد که عبارت‌اند از:

1. روابط زن و مرد، با قطع‌نظر از نکاح و سبب و نسب.
2. روابط زنان با یکدیگر
3. روابط مردان با یکدیگر

### محور اول: روابط زن و مرد

پس از ورود به محور اول مباحث باید دید چه مسائلی در این محور وجود دارد که در ادامه به‌مرور این مسائل خواهیم پرداخت و به‌تدریج نظم بهتری به آن خواهیم بخشید، لکن ابتدا بدون اینکه نظمی به این مباحث بدهیم فهرستی از مسائلی که در روابط زن و مرد از منظر عام (با قطع‌نظر از اینکه ازدواج و نکاح بیاید) عرض خواهیم کرد و سپس نظمی به آن خواهیم داد و در جلسات آینده وارد بحث اصلی خواهیم شد.

#### فهرست مباحث ذیل محور اول

در اینجا منظومه مسائلی که در ذیل محور اول می‌تواند قرار بگیرد این مباحث می‌باشند:

##### دسته اول: ارتباطات مربوط به حواس پنج‌گانه ظاهری

بحث نگاه در میان زن و مرد بحث مهمی است و به طور کل یکی از ارتباطاتی که بین زن و مرد برقرار می‌شود همین نگاه و باصره می‌باشد.

این یک فصل است که دارای بحث‌های بسیار گسترده و مهمی است و به شکل سنّتی هم در فقه موجود است و این‌چنین نیست که نیاز به گسترش جدی داشته باشد، اگرچه فروعاتی برای آن وجود دارد لکن علی‌الاصول از قدیم در کتب ما مطرح بوده است.

دومین بحث که به نوعی با فصل اول مرتبط است اما مساوی آن مبحث نیست بحث ستر است. به این معنا که کسی خود را در مقابل دیدگان دیگران بپوشاند.

در فصل اول بحث از این بود که نگاه به دیگری چه حکمی دارد اما در این فصل گفته می‌شود که در مقابل نظر دیگران خود را بپوشان یا نپوشان و همچنین ضوابط آن چیست.

پس تاکنون دو فصل گفته شد که یکی نظر و دیگری ستر است و کتاب‌هایی نیز با همین عنوان وجود دارد «النظر و الستر»

فصل دیگر مسائل مربوط به لمس و تماس جسمی می‌باشد که در این فصل مباحثی از قبیل مصافحه، دست دادن، تقبیل و همچنین انواع تماس‌های حسّی و جسمی متصور است.

این نیز بابی است که در ذیل آن مسائلی همچون مصافحه، دست دادن، تقبیل و از این قبیل موارد متصور است و همان‌طور که متوجه شدید دو فصل اول بیشتر مربوط به باصره بود لکن در این فصل مباحث لمس و این‌چنین موضوعاتی پرداخته خواهد شد.

فصل چهارم مسائل مربوط به استماع و اسماع صوت می‌باشد به این معنا که کسی صدای جنس مخالف را بشنود یا صدای خود را به سمع دیگری برساند؛ که معنای جامع‌تر این فصل همان گفتگو و با یکدیگر سخن گفتن است، به‌عبارت‌دیگر مکالمه و محادثه میان رجل و مرأه که به اصطلاح فقهی اجنبی هستند به این معنا که هیچ‌گونه رابطه نکاح و محرمیتی بین آن‌ها وجود ندارد.

این چهار فصل اصلی است که در واقع به سه عنصر کلی باصره، لامسه و سامعه بازمی‌گردد که البته در ذیل این مباحث گاهی در مورد شامّه هم مطالبی گفته شده است از قبیل اینکه بوی عطر نامحرم چه حکمی دارد که این هم بحث فرعی است که می‌توان در جای خود به آن پرداخته شود.

##### دسته دوم: ارتباطات عاطفی و مصاحبت‌های اجتماعی

و اما پس از این چهار فصل، بخش‌های دیگری هم وجود دارد که به حوزه مصاحبت‌ها و مسائل ارتباطات عاطفی بازمی‌گردد که عبارت است از مجالست، مؤانست، دوستی و رفاقت، خلوت، مسافرت و موارد دیگری از این قبیل مسائل که خارج از مباحث باصره و لامسه و سامعه است بلکه مجموعه‌ای از مباحث که در محور مصاحبت‌ها و مراودات اجتماعی و عاطفی می‌باشد که در میان انسان‌ها وجود دارد و مختص رابطه زن و مرد نیست بلکه این روابط در میان مردها و در میان زن‌ها وجود دارد لکن آنچه محلّ سؤال است که این روابط میان زن و مرد از نظر شریعت چه حکمی دارد و تا حد از آن مجاز می‌باشد و چه مقدار از آن مجاز نیست؟ از جمله مباحثی که در ذیل این قسم قرار می‌گیرد بحث اختلاط است که این بحث کمابیش در فقه وارد شده است.

پس همان‌طور که عرض شد در این بخش تماس‌هایی که از لحاظ اجتماعی، عاطفی و ارتباطات برقرار می‌شود که عنوان اختلاط، مجالست و خلوت از موضوعاتی هستند که در فقه وجود دارد لکن مباحثی همچون دوستی و رفاقت و مسافرت چندان مورد بحث قرار نگرفته است و بایستی در اینجا به آن بپردازیم.

##### دسته سوم: معاملات

و اما حوزه بعدی که در این بحث وجود دارد مسائل معاملات است که به صورت پراکنده و جسته‌وگریخته به آن پرداخته شده است لکن نیاز به مداقه و بحث و بررسی بیشتر دارد. مباحث از جمله اینکه دو جنس مخالف در مقام بایع و مشتری قرار گیرند و معامله آن‌ها به چه صورت خواهد بود ذیل این دسته است.

##### دسته چهارم: تواضع و تکبر

و اما حوزه چهارم مباحث که می‌توان این را حوزه را به‌عنوان یک مصداق از دسته دوم (ارتباطات عاطفی) قرار داد عبارت است از تواضع و تکبّر که آیا همان قواعد عامّه‌ای که قبلاً برای آن برشمرده شد در اینجا نیز وجود دارد یا اینکه این مقوله بین زن و مرد باهم متفاوت است؟

##### دسته پنجم: استمتاعات

مقوله دیگر در این بحث ارتباطات جنسی به‌عنوان استمتاعات می‌باشد که طیف وسیعی تمتّعات در اینجا وجود دارد که همه آن‌ها در اینجا از لحاظ حکم تکلیفی و حکم وضعی محل بحث قرار خواهد گرفت.

البته باید توجه داشت که بحث تمتّعات جنسی با عناوین قبلی رابطه عموم و خصوص من وجه دارند، به این بیان که ممکن است یک تمتّع جنسی مصداقی برای مصافحه و اختلاط هم باشند و ممکن هم است در مواردی اینها از یکدیگر جدا گردن و لذا ازآنجاکه ارتباطشان من وجه است لاجرم عناوین مستقلی پیدا می‌کنند.

##### دسته ششم: حکومت، قضاوت و افتاء

دسته دیگری که به‌عنوان دسته ششم می‌توان نام برد حوزه حکومت، قضاوت و افتاء می‌باشد و همچنین مسائلی همچون امربه‌معروف و نهی از منکر، ارشاد و یا امامت جمعه و جماعت و از این قبیل موارد که به نوعی می‌توان گفت صورت شرعی‌تری دارد.

مسائلی از این قبیل که آیا زن می‌تواند مفتی یا مرجع باشد یا خیر و یا اینکه قاضی شود و همچنین اینکه آیا می‌تواند برای زنان و مردان امامت کند یا آن‌ها را ارشاد و امربه‌معروف کند یا خیر، اینها مجموعه‌ای از مباحث است که در ذیل مراودات شرعی قرار می‌گیرد که قابل طرح و بررسی می‌باشند که البته برخی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

حال نکته‌ای که می‌بایست در اینجا عرض شود این است که در بخش روابط اجتماعی اگر بنا باشد که از منظر عام به آن نگریسته شود و مورد بررسی قرار گیرد در همان بحث «فقه العلاقات الاجتماعیه» (که سه‌شنبه‌ها برگزار می‌شود) این بحث دنبال می‌شود و بیش از صد عنوان از روابط بین انسان‌ها چه مثبت و چه منفی مطرح می‌باشد که به‌عنوان‌مثال در آنجا گفته می‌شود روابط مثبت میان انسان‌ها عبارت است از حسن ظن، احترام، تواضع، رفاقت، دوستی و ... و در مقابل روابط منفی عبارت‌اند از غیبت، تهمت، دروغ و ... و در واقع تمام آن فهرست از منظر روابط زن و مرد قابل مطالعه مجدد می‌باشد و می‌توان آن موارد را به اینجا منتقل کرد.

مثلاً در مورد تواضع و تکبر این بحث و تفکیک جنسی مطرح شد و این امکان وجود دارد که مباحث دیگر آن بحث در اینجا نیز مطرح شود اگرچه طبیعتاً بسیاری از آن مباحث تفاوتی میان زن و مرد ندارد به‌عنوان‌مثال وقتی بحث از حرمت تهمت و کذب و غیبت است در اینجا تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد لکن در برخی از موارد بین زن و مرد تفاوت‌هایی حاصل می‌شود.

به طور کل باید گفت تمام علاقه‌ها و روابط میان انسان‌ها مورد یکی از احکام خمسه قرار گرفته است باید از منظر ذکورت و انوثت بررسی شود. بسیاری از مباحث تفاوتی نمی‌کند و طبق قاعده همان عمومات و اطلاقات پیش برود لکن بخشی از آن‌ها دارای تفاوت‌هایی میان زن و مرد است که بایستی در این بحث بررسی شود.

آنچه گفته شد صرفاً فهرستی از مطالب بود که بنا باشد تنظیمی برای آن حاصل شود شاید بتوان این‌چنین تنظیم کرد که؛ بخشی مباحث مربوط به روابط بصری است، بخشی مربوط به مسائل لمسی است، برخی مربوط به روابط سمعی است که این سه مورد در ذیل سه حاسّه از حواس خمسه ظاهری قرار می‌گیرد و بخش دیگر مباحث ذیل روابط عاطفی و اخلاقی، روابط اقتصادی، روابط اجتماعی، روابط فرهنگی، روابط سیاسی و همچنین روابط دینی می‌باشد.

این یک فهرست بلند و بالایی است از مباحثی که در کتاب روابط زن و مرد قابل بررسی و مطالعه می‌باشد.

## بحث اول: النظر

حال به‌منظور اینکه چندان از فضای سنّتی و موجود فاصله نگیریم و در همان مسیر حرکت کنیم بحث را فعلاً از مسئله 31 عروه تا مسئله 52 پی می‌گیریم که مسئله 31 همان بحث نظر می‌باشد که تا مسئله 52 بخشی از این فهرستی که عرض شد پوشش می‌دهد (نه تمام فهرست را) و این مباحث استطراداً در میان مباحث نکاح وارد شده است اگرچه که این مباحث مربوط به روابط زن و مرد می‌باشد و ارتباطی با مقوله نکاح ندارد لکن ازآنجاکه در مباحث فقهی جایگاهی برای آن در نظر گرفته نشده بوده در قالب کتاب نکاح وارد کرده‌اند.

در اینجا به همان ترتیب عروه پیش خواهیم رفت و برخی از محورهایی هم که در آن نیست به آن می‌افزاییم و مجموعه آن دارای یک هویت مستقل می‌شود که ماقبل نکاح قرار می‌گیرد و نکاح به دنبال آن خواهد آمد.

پس مباحث از مسئله 31 که عبارت است از «النظر إلی الأجنبی و الأجنبیه» شروع خواهیم کرد و برخی از مسائل قبل آن که در مورد مباحث ازدواج است در ذیل فروعات این بحث به آن‌ها خواهیم پرداخت چراکه اگرچه آن چند مسئله قبل از بحث نظر وارد شده لکن منطقاً مترتب بر مباحث نظر (مسئله 31 به بعد) می‌باشند و لذا در طول بحث این موارد را تنظیم خواهیم کرد و مباحث از قبیل نظر برای عقد و ازدواج هم از این قسم خارج بوده و در ذیل کتاب نکاح بحث خواهد شد.

در حقیقت 22 مسئله است که به بحث نظر می‌پردازد که از مسئله 31 عروه شروع می‌شود و چند مسئله قبل از آن نیز به نحوی با مقوله روابط زن و مرد مرتبط است که منطقاً آن را در ادامه اضافه خواهیم کرد که مجموعاً حدود 27 مسئله مهم خواهند شد؛ و این همان چیزی است که ما قبلاً عرض کردیم که باید مستقل شوند و در کتب فقهی موجود استطراداً وارد شده است که ما آن‌ها را به صورت مستقل بحث خواهیم کرد.

ان‌شاءالله از جلسه آینده با مسئله 31 بحث را شروع خواهیم کرد و تبعاً کتب و منابعی که سابقاً معرفی شد مستندات این بحث می‌باشد و قبل از ورود به بحث مطالب مربوط به مسئله 31 در این کتب را مطالعه بفرمایید؛ و کتاب دیگری هم آقای بستان تألیف کرده‌اند که البته هنوز به چاپ نرسیده است و اگرچه بنده از عمق این کتاب اطلاعی ندارم لکن ممکن است در این بحث کارآیی داشته باشد. این کتاب که درصدد است بابی را به‌عنوان عفاف در فقه تنظیم کند به نظر می‌رسد کتاب خوبی باشد.